

طرح جهش تولید مسکن

درباره‌ی مصوبه

«طرح جهش تولید مسکن» بنا به پیشنهاد (۷۱) نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۹/۶/۱۹ به عنوان طرح دوفوریتی و با عنوان «طرح جهش تولید و تأمین مسکن» اعلام وصول و جهت طی مراحل قانونی به هیئت رئیسه‌ی مجلس تقدیم شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح آمده است: با عنایت به سیاست‌های دولت در بخش ساخت مسکن، رکود حاکم بر تولید مسکن که موجب تعطیلی و کاهش تولید برخی صنایع فولاد، سیمان، کاشی و ... گردیده است و از آنجا که بیش از (۱۵۶) رشته فعالیت اقتصادی به طور مستقیم و غیرمستقیم با بخش ساختمان در ارتباط هستند، بیکاری، افزایش قیمت مسکن به دلیل کاهش عرضه و همچنین ضرورت اتمام احداث واحدهای مسکن مهر و با اشاره به اصول (۳) و (۳۱) و (۴۳) قانون اساسی و قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و آیین‌نامه اجرایی آن که وظیفه تأمین مسکن متناسب با نیاز مردم و ارائه انواع و اقسام تسهیلات را بر عهده دولت قرار داده است، ضرورت ورود نمایندگان مردم به منظور خروج از رکود و جهش تولید در بخش تولید مسکن و به تبع آن رشد اقتصادی، بیش از پیش احساس می‌شود تا مجلس شورای اسلامی با تصویب این طرح، دولت و اجزای آن و همچنین بانک مرکزی و سایر سازمان‌ها و دستگاه‌های عمومی و دولتی را مکلف نمایند تا با پرداخت تسهیلات ارزان قیمت، تأمین زمین، اجرای سیاست‌های مالیاتی، تأمین مصالح ساختمانی ارزان قیمت و تسهیل صدور پروانه‌ها، خدمات و انشعابات مورد نیاز ساخت و ساز، تولید مسکن را در کشور رونق بخشند و در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و ایجاد اشتغال گام‌های موثرتری برداشته شود. رکود حاکم بر ساخت و ساز بخش عظیمی از اقتصاد را تحت تأثیر قرار داده است و از آنجا که ساخت مسکن لوکوموتیو اقتصاد کشور است و نهادهای تولید مسکن اکثراً داخلی است و تأمین آنها وابستگی به خارج از کشور ندارد، رونق تولید مسکن می‌تواند چرخ اقتصاد کشور را بدون اتکا به نفت به خصوص در شرایط تحریم و رویکرد تحقق اقتصاد مقاومتی از طریق ایجاد تحرک در کلیه فعالیت‌های وابسته به مسکن به حرکت وادارد. همچنین افزایش تولید مسکن می‌تواند در راستای کمک

به تأمین مسکن اقشار کم درآمد، تسهیل در ازدواج جوانان و کاهش بیکاری ناشی از فعال شدن کارخانه‌های داخلی و فعالیت‌های خدماتی وابسته به مسکن، نقش قابل ملاحظه‌ای داشته باشد که جملگی مورد تأکید مقام معظم رهبری می‌باشند؛ چنان که فرموده‌اند: «مسکن اساس زندگی است». لذا این طرح تقدیم می‌شود.

در نهایت این طرح دوفوریتی در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱۸ با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب مجلس رسید و طی نامه‌ی شماره ۱۷۳/۳۳۹۶ مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۲ برای طی مراحل قانونی مقرر در اصل (۹۴) قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان با بررسی این مصوبه در جلسات مورخ ۱۴۰۰/۲/۶ و ۱۴۰۰/۲/۷، برخی از مواد این مصوبه را مغایر با شرع یا قانون اساسی تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۱۰۲/۲۵۰۷۰ مورخ ۱۴۰۰/۲/۱۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

نظرات استدلالی شورای نگهبان در خصوص طرح جهش تولید مسکن

ماده ۲-

«شورای عالی مسکن» به منظور برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، نظارت و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی در حوزه مسکن، با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

۱- ...

دیدگاه ابهام

مجلس شورای اسلامی در ماده (۲) این مصوبه، حکم به تشکیل شورای عالی مسکن به منظور «برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، نظارت و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی در حوزه مسکن» کرده است. این در حالی است که در این ماده یا دیگر مواد این مصوبه به وظایف و صلاحیت‌های این شورا اشاره‌ای نشده است و قانون‌گذار در این ماده تنها به بیان اهداف تشکیل شورای مزبور بسنده کرده است. بنابراین ماده (۲) از حیث روشن نبودن وظایف شورای عالی مسکن واجد ابهام است؛ زیرا ممکن است مجلس وظایفی همچون تقنین یا آیین‌نامه‌گذاری در حوزه‌ی مسکن را به این شورا تفویض کرده باشد. حال آنکه مطابق اصل (۸۵) قانون اساسی، قانون‌گذاری از شئون اختصاصی مجلس است و مطابق اصل (۱۳۸)، وضع آیین‌نامه تنها در صلاحیت هیئت وزیران، کمیسیون متشکل از چند وزیر و هر یک از وزرا است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) وظایف شورای عالی مسکن در ماده (۲) مصوبه‌ی مورد بررسی، فاقد هرگونه ابهام است؛ زیرا دقت در متن این مقرر نشان می‌دهد قانون‌گذار وظایف این شورا را به تفصیل شامل «برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، نظارت و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی در حوزه مسکن» دانسته است. بنابراین با وجود احصای وظایف شورای عالی مسکن از سوی مجلس شورای اسلامی در متن این ماده، این مقرر فاقد هرگونه ابهام در خصوص مغایرت با اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی است.

ب) مطابق ماده (۲) مصوبه‌ی پیش‌رو، شورای عالی مسکن به منظور برنامه‌ریزی،

«سیاست‌گذاری»، نظارت و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی در حوزه مسکن تشکیل می‌شود. شایسته است پس از عبارت «سیاست‌گذاری»، قید «اجرایی» نیز به متن این حکم اضافه شود؛ چرا که مشخص شود مقصود قانون‌گذار از سیاست‌گذاری، سیاست‌های کلی موضوع بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی که تعیین آن در صلاحیت مقام رهبری نیست یا روشن شود منظور مقنن از این عبارت، شامل قانون‌گذاری که به موجب اصل (۸۵) از وظایف انحصاری مجلس شورای اسلامی است، نمی‌شود. البته که در حال حاضر نیز عبارت «سیاست‌گذاری» در این ماده، ظاهر در «سیاست‌گذاری اجرایی» است و این حکم مغایرتی با اصول مذکور ندارد اما تصریح به این قید مقصود قانون‌گذار را روشن‌تر خواهد کرد.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.
تذکر: در ماده (۲)، عبارت «سیاست‌گذاری» به عبارت «سیاست‌گذاری اجرایی» تغییر یابد.

ماده ۳-

«صندوق ملی مسکن» به منظور ایجاد هم‌افزایی، تقویت توان حمایتی و تخصیص بهینه منابع مالی بخش مسکن، با کارکرد تجمیع و تخصیص منابع مالی موضوع این قانون، حداکثر تا سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون تشکیل می‌گردد.
منابع این صندوق از محل منابع حاصل از واگذاری زمین‌های موضوع این قانون و منابع وصولی مربوط به اجاره (۹۹) ساله مالیات‌های مرتبط با حوزه زمین، مسکن، مستغلات و ساختمان، منابع پیش‌بینی شده برای بخش مسکن در قوانین بودجه سنواتی، منابع حاصل از بازگشت یا امهال اصل و فرع خطوط اعتباری مسکن مهر، اقساط برگشتی صندوق پس‌انداز مسکن یکم در هر سال، کمک‌های خیرین و سایر منابعی که در اساسنامه صندوق پیش‌بینی می‌گردد، تأمین می‌شود و به مصارف صندوق از جمله

یارانه سود تسهیلات، تخفیف در هزینه صدور و تمدید پروانه ساختمانی، گواهی پایان کار ساختمان، هزینه‌های تأمین و انتقال زیرساخت و مشارکت در ایجاد امکانات، خدمات روبنایی و کاربری‌های غیرانتفاعی (آموزشی، مذهبی، درمانی، فضای سبز، فرهنگی، ورزشی و تجهیزات شهری) در توسعه شهری ایجاد شده مطابق با الگوی مصوب شورای عالی مسکن برای طرح (پروژه) های مسکونی موضوع این قانون اختصاص می‌یابد.

اموال و دارایی‌های این صندوق متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران است. صندوق در وزارت راه و شهرسازی مستقر است و در تهران و در هیچ یک از شهرها شعبه دیگری ندارد. ارکان صندوق شامل هیئت امنا و هیئت عامل است

الف- هیئت امنا

۱- ترکیب اعضای هیئت امنا به عنوان بالاترین رکن صندوق عبارتند از:

۱-۱- وزیر راه و شهرسازی (رئیس هیئت امنا صندوق)

۱-۲- وزیر کشور

۱-۳- وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

۱-۴- ...

۱-۸- دادستان کل کشور

۱-۹- رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

۲- ...

۳- ...

ب- هیئت عامل

۱- هیئت عامل مرکب از پنج نفر از افراد صاحب نظر، با تجربه، امین، مورد وثوق و خوش نام در امور اقتصاد مسکن، حقوقی، مالی، بانکی، عمرانی و برنامه‌ریزی با حداقل ده سال سابقه مرتبط و مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی ارشد به پیشنهاد وزیر راه و شهرسازی، توسط هیئت امنا انتخاب و با حکم رئیس هیئت امنا برای مدت چهار سال منصوب می‌شوند.

۲- ...

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- اساسنامه این صندوق مشتمل بر اهداف، کارکردها و وظایف صندوق، منابع و مصارف صندوق، وظایف هیئت امناء، هیئت عامل و سایر موارد حداکثر تا دو ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره ۳- تا زمان تشکیل و استقرار این صندوق، «حساب ملی مسکن» نزد بانک مسکن تشکیل می‌شود و منابع این حساب در راستای اهداف و موضوع صندوق ملی مسکن، با دستور وزیر راه و شهرسازی قابل برداشت است. بلافاصله پس از تشکیل صندوق، کلیه وجوه حساب مذکور به صندوق منتقل می‌گردد.

تبصره ۴- بدهی بانک مسکن به بانک مرکزی بابت اصل و فرع خطوط اعتباری مسکن مهر به حساب بدهی دولت به بانک مرکزی منتقل می‌شود و این مبلغ به عنوان منابع صندوق ملی مسکن منظور می‌گردد.

تبصره ۵- ...

تبصره ۸- درآمدهای مالیاتی زیر پس از واریز به خزانه‌داری کل کشور به عنوان منابع صندوق ملی مسکن به صورت صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص می‌یابد:

الف- درآمدهای مالیاتی حاصل از پایه‌های جدید مالیاتی در بخش مسکن از جمله درآمد مالیاتی عایدی سرمایه در املاک، مالیات بر معاملات مکرر و سایر موارد مشابه

ب- درآمدهای مالیاتی پایه‌های موجود مرتبط با بخش مسکن که تاکنون دریافت نشده است از جمله مالیات بر خانه‌های خالی، مالیات بر اراضی بایر و سایر موارد مشابه

ج- درآمدهای مالیاتی حاصل از افزایش نرخ پایه‌های مالیاتی موجود در بخش مسکن از جمله مالیات بر نقل و انتقال خانه‌های گران قیمت، مالیات بر اراضی بایر و سایر موارد مشابه

«دیدگاه مغایرت»

الف) صندوق ملی مسکن به موجب حکم ماده (۳) این مصوبه تشکیل می‌شود. منابع این

صندوق از محل‌های گوناگونی همچون منابع حاصل از واگذاری زمین‌های موضوع این مصوبه، منابع وصولی مربوط به اجاره (۹۹) ساله و «کمک‌های خیرین» تأمین می‌شود. همچنین مقرر شده است اموال و دارایی‌های این صندوق متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران باشد. حکم پیش‌گفته از حیث تملیک کمک‌های خیرین به دولت مغایر با موازین شرعی است؛ توضیح اینکه چه بسا مقصود فرد خیر، تملیک کمک خود به صندوق ملی مسکن یا دولت نباشد و او صرفاً این صندوق را توکیل در صرف آن کمک در حوزه‌ی ساخت مسکن کرده باشد. بنابراین حکم ماده (۳) مبنی بر تعلق اموال و دارایی‌های صندوق ملی مسکن به دولت، از این حیث که در برخی فروض متضمن سلب مالکیت اشخاص خیر از کمک‌های خود به این صندوق است، واجد اشکال شرعی است.

ب) قانون‌گذار در ماده (۳) مصوبه‌ی حاضر، ماهیت صندوق ملی مسکن را تعیین نکرده است و تعیین آن را به اساسنامه‌ی مصوب هیئت وزیران واگذار کرده است. این حکم مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است؛ زیرا تعیین ماهیت نهادهای اداری از مواردی است که دارای ماهیت تقنینی است چراکه تعیین هر کدام از انواع ماهیت‌ها برای نهادهای اداری، آثار و تبعات قانونی مختلفی را در پی خواهد داشت مانند اینکه برای مثال اگر ماهیت این صندوق، مؤسسه‌ی عمومی غیردولتی باشد، محدودیتی از حیث اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی متوجه آن نخواهد بود. اما اگر ماهیت آن شرکت دولتی باشد، باید مقررات این سیاست‌ها در خصوص فعالیت دولت را رعایت کند. بنابراین تفویض تعیین ماهیت صندوق ملی مسکن از سوی مجلس شورای اسلامی به هیئت وزیران، مصداق قانون‌گذاری تفویضی و مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است. چه اینکه وفق اصل پیش‌گفته، تقنین در صلاحیت انحصاری مجلس است.

ج) مقید نشدن هزینه‌کرد منابع صندوق ملی مسکن در این ماده به قوانین بودجه‌ی سنواتی، مغایر با اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی است؛ زیرا بخش عمده‌ای از منابع این صندوق، از منابع دولتی تأمین می‌شود و مطابق اصول مذکور، درآمدها و هزینه‌های دولت باید در قانون بودجه‌ی سالیانه پیش‌بینی شود تا کلیه‌ی پرداخت‌های دولت در چارچوب آن صورت پذیرد. بنابراین اطلاق هزینه‌ی منابع صندوق ملی مسکن در ماده (۳)، از این منظر

که به رعایت الزامات اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی مقید نشده است، خلاف اصول مذکور است.

د) قانون‌گذار در جزء (۱) بند (الف) این ماده، اعضای هیئت امناء به عنوان بالاترین رکن صندوق ملی مسکن را مرکب از وزیر راه و شهرسازی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دادستان کل کشور و ... دانسته است. این درحالی است که حضور دادستان کل که یک مقام قضایی است در هیئت امنای این صندوق که دارای ماهیت اجرایی است، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی است؛ توضیح آنکه مطابق اصل مزبور، اعمال قوهی مجریه از طریق رئیس جمهور و وزرا به عمل می‌آید. بنابراین جزء (۱) بند (الف) ماده (۳) از این منظر که با عضویت دادستان کل کشور در هیئت امنای صندوق ملی مسکن، دخالت مقامات غیراجرایی در امور مربوط به قوهی مجریه را تجویز کرده است مغایر با اصل (۶۰) قانون اساسی است.

ه) به موجب جزء (۱) بند (ب) این مقرر، هیئت عامل صندوق ملی مسکن مرکب از پنج نفر از افراد «صاحب نظر، با تجربه، امین، مورد وثوق و خوش‌نام» در حوزه‌های مختلف است. این در حالی است که قانون‌گذار به لزوم وجود دو شرط اسلام و ایمان برای این افراد اشاره‌ای نکرده است و این امر موجب مغایرت این حکم با موازین شرعی است؛ زیرا مطابق این موازین از جمله آیهی شریفه (۱۱۸) از سورهی مبارکه‌ی آل عمران،^۱ جامعه‌ی اسلامی نباید اسرار و اموال خود را در اختیار اشخاص فاقد اوصافی همچون اسلام، ایمان و وثوق قرار دهد. بنابراین مقید نشدن شرایط عضویت در هیئت عامل صندوق ملی مسکن به اتصاف به دو صفت اسلام و ایمان در جزء (۱) بند (ب) ماده (۳)، مغایر با موازین شرعی است.

و) به موجب حکم تبصره (۴) ماده (۳)، بدهی بانک مسکن به بانک مرکزی بابت اصل و فرع خطوط اعتباری مسکن مهر، به حساب بدهی دولت به بانک مرکزی منتقل می‌شود.

۱. سوره‌ی آل عمران، آیه (۱۱۸): «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَتِهِمْ دُونَكُمْ خَبَالًا وُدُّوْا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید. آنها از هر گونه شر و فسادی در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام)شان آشکار شده؛ و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راه‌های) پیشگیری از شر آنها را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید.» (قرآن کریم، ترجمه‌ی آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی)

حکم این مقررده از این حیث که دولت را به بانک مرکزی مدیون کرده است و این امر به منزله‌ی افزایش هزینه‌های عمومی است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ توضیح آنکه مطابق این اصل، طرح‌های قانونی نباید موجب افزایش جبران نشده‌ی هزینه‌های عمومی شود. بنابراین حکم تبصره (۴) ماده (۳) مبنی بر بدهکار شدن دولت به بانک مرکزی، از حیث افزایش هزینه‌های عمومی از طریق مکلف شدن دولت به پرداخت این دین، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

■ دیدگاه عدم مغایرت

الف) حکم ماده (۳) مصوبه‌ی مورد بحث مبنی بر تعلق اموال و دارایی‌های صندوق ملی مسکن حتی منابع حاصل از کمک خیرین به دولت، مغایرتی با موازین شرعی ندارد؛ زیرا فارغ از اینکه مالک اموال این صندوق دولت جمهوری اسلامی ایران است یا فرد خیر، قدر متیقن آن است که اشخاص خیر اموال اهدایی به این صندوق را برای کمک در زمینه‌ی ساخت مسکن در اختیار این صندوق گذاشته است و مطابق مواد این مقررده، کلیه‌ی اموال این صندوق (فارغ از اینکه مالک آن کیست) صرفاً در این راستا هزینه خواهد شد. در نتیجه غرض شخص خیر از کمک به این صندوق در هر صورت حتی اگر دولت مالک اموال این صندوق باشد، محقق خواهد شد. بنابراین حکم ماده (۳) در خصوص تعلق اموال و دارایی‌های صندوق ملی مسکن به دولت، مغایرتی با شرع مقدس ندارد.

ب) واگذاری تعیین ماهیت صندوق ملی مسکن در ماده (۳) به اساسنامه‌ی مصوب هیئت وزیران، مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد؛ زیرا تعیین ماهیت نهادهای اداری امری تقنینی نیست و لزومی ندارد این امر در قانون صورت گیرد و وانهادن آن در این مقررده به اساسنامه‌ی دولتی با اشکالی مواجه نیست. ضمن اینکه اگر ماهیت تعیین شده برای این صندوق در اساسنامه‌ی آن، مغایر با الزامات سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی بود یا متضمن مغایرت با قانون اساسی یا شرع بود، زمانی که اساسنامه‌ی این صندوق در عمل به ذیل اصل (۸۵) مبنی بر تشخیص عدم مغایرت اساسنامه‌های دولتی با شرع یا قانون اساسی از سوی شورای نگهبان، در این شورا مطرح شود، در این خصوص اشکال گرفته خواهد شد. بنابراین واگذاری تعیین ماهیت صندوق ملی مسکن از سوی مجلس شورای

اسلامی به هیئت وزیران، از این حیث که فاقد ماهیت تقنینی است، مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد.

ج) تصریح نکردن قانون‌گذار به هزینه‌کرد منابع صندوق ملی مسکن مطابق اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی، مغایرتی با این اصول ندارد؛ زیرا مجلس شورای اسلامی در این مقررہ در مقام بیان نفی تشریفات اصول فوق نیست و این اساسنامه‌ی صندوق است که متکفل تصریح به رعایت این الزامات است. البته اگر اساسنامه نیز متضمن تصریح به رعایت تشریفات این اصول نباشد، زمانی که در عمل به ذیل اصل (۸۵) مبنی بر تشخیص عدم مغایرت اساسنامه‌های دولتی با شرع یا قانون اساسی از سوی شورای نگهبان، در شورا مورد بررسی واقع شود، در این خصوص اعلام مغایرت خواهد شد. بنابراین حکم ماده (۳) از این حیث که به هزینه‌کرد منابع صندوق ملی مسکن مطابق اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی مبنی بر رعایت اعتبارات بودجه‌ای اشاره نکرده است، مغایرتی با این اصول ندارد.

د) حکم تبصره (۴) ماده (۳) مبنی بر انتقال بدهی‌های بانک مسکن به بانک مرکزی بابت اصل و فرع خطوط اعتباری مسکن مهر به حساب بدهی‌های دولت به بانک مرکزی، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد؛ زیرا آنچه به موجب این اصل ممنوع شده است، افزایش جبران نشده‌ی هزینه‌های عمومی است و حکم این تبصره، فی‌نفسه مستلزم افزایش هزینه‌های عمومی نیست؛ بلکه تنها دولت را بدهکار بانک مرکزی کرده است و تنها لازمه‌ی این حکم است که پرداخت دین از سوی دولت را ایجاب می‌کند. به دیگر سخن، حکم این مقررہ الزاماً هزینه‌های عمومی را افزایش نمی‌دهد؛ بلکه تنها دولت را مدیون بانک مرکزی کرده است. ضمن اینکه نباید از نظر دور داشت که بانک مسکن از بانک‌های دولتی است و منابع و دیون آن در نهایت به دولت منتقل خواهد شد. در نتیجه پرداخت دیون آن به بانک مرکزی به منزله‌ی پرداخت دیون دولت به بانک مرکزی است. بنابراین حکم تبصره (۴) ماده (۳) مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

«دیدگاه ابهام»

الف) مجلس شورای اسلامی منابع صندوق ملی مسکن را از محل‌های متنوعی همچون محل منابع حاصل از واگذاری زمین‌های موضوع این مصوبه، منابع وصولی مربوط به اجاره

۹۹) ساله و منابع حاصل از «امهال اصل و فرع خطوط اعتباری مسکن مهر» مقرر کرده است. این در حالی است که مراد مقنن از منابع حاصل از «امهال اصل و فرع خطوط اعتباری مسکن مهر» روشن نیست و چه بسا مقصود وی از منابع حاصل از امهال، صور امهال ربوی را نیز شامل شود و این حکم مغایر با موازین شرعی باشد. بنابراین عبارت «منابع حاصل از امهال» در ماده (۳) واجد ابهام است.

ب) به موجب تبصره (۲) ماده (۳)، «اساسنامه» صندوق ملی مسکن مشتمل بر اهداف، کارکردها و وظایف صندوق، منابع و مصارف صندوق، وظایف هیئت امناء، هیئت عامل و سایر موارد، به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. این در حالی است که اگرچه بر اساس ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی، اساسنامه این صندوق باید توسط شورای نگهبان مورد بررسی قرار گیرد، لکن عدم تصریح به این امر، این شائبه را ایجاد خواهد کرد که آیا هیئت وزیران پس از تصویب اساسنامه، برای طی فرآیند تشخیص عدم مغایرت اساسنامه‌های دولتی با شرع یا قانون اساسی از سوی شورای نگهبان، مصوبه را به این شورا ارسال خواهد کرد یا خیر؛ در نتیجه مقرر از این حیث واجد ابهام است. به عنوان مؤید استدلال فوق می‌توان به رویه‌ی شورا در بررسی جزء (۲-۴) بند (الف) تبصره (۲) لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور^۱ اشاره کرد که عدم تصریح به لزوم بررسی اساسنامه‌ی صندوق‌های سرمایه‌گذاری در شورای نگهبان، واجد ابهام شناخته شد.^۲

۱. جزء (۲-۴) بند (الف) تبصره (۲) لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «۲-۴- شورای عالی بورس مکلف است سازوکار نحوه اجرای این جزء و اساسنامه صندوق‌های مذکور را برای تصویب در هیئت وزیران به گونه‌ای پیشنهاد نماید که وزیر تخصصی مربوطه یا نماینده معرفی شده توسط وی، از طرف دولت به‌عنوان دارنده واحدهای سرمایه‌گذاری ممتاز صندوق، مسئولیت اعمال مدیریت و حقوق مالکانه واحدهای سرمایه‌گذاری را برعهده داشته باشد. درصدی از مبلغ پذیره‌نویسی به تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی به بازارگردانی واحدهای صندوق‌های مذکور اختصاص می‌یابد. بهم‌منظور خروج تدریجی دولت از مدیریت صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله و کاهش فاصله میان ارزش خالص دارایی واحدهای آنها از قیمت واحدها، شورای عالی بورس موظف است ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون دستورالعمل نحوه تبدیل واحدهای سرمایه‌گذاری عادی به واحدهای سرمایه‌گذاری ممتاز را برای دارندگان عمده واحدهای این صندوقها و بازارگردانی فعال مدیر صندوق از طریق خرید و فروش سهام موجود در سبد سرمایه‌گذاریهای آنها تصویب کند.»

۲. بند (۲-۳) نام‌ی شماره ۹۹/۱۰۲/۲۴۴۷۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ شورای نگهبان: «در جزء (۲-۴) بند (الف)، از این جهت که ماهیت صندوق‌های سرمایه‌گذاری چیست و آیا بر اساس اصل (۸۵) قانون اساسی، اساسنامه این صندوق‌ها باید به تأیید شورای نگهبان برسد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.»

ج) مجلس شورای اسلامی در تبصره (۳) ماده (۳) مقرر کرده است تا زمان تشکیل و استقرار صندوق ملی مسکن، «حساب ملی مسکن» نزد بانک مسکن تشکیل شود و بلافاصله پس از تشکیل صندوق، کلیه وجوه حساب مذکور به صندوق منتقل گردد. این در حالی است که حکم مذکور از جهاتی واجد ابهام است؛ زیرا اولاً روشن نیست «حساب ملی مسکن» نزد خزانه‌داری کل کشور تشکیل می‌شود یا یک حساب مستقل است. چه اینکه اگر حساب مذکور خارج از خزانه باشد، این حکم مغایر با صدر اصل (۵۳) قانون اساسی مبنی بر تمرکز کلیه منابع در حساب‌های خزانه خواهد بود. ثانیاً مشخص نیست آیا فرآیند قانونی مذکور در اصل (۵۲) قانون اساسی در خصوص پیش‌بینی کلیه منابع و مصارف دولت در بودجه، در واریز منابع به این حساب طی می‌شود یا خیر. چه اینکه اگر این تشریفات رعایت نشود، این حکم مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی خواهد بود. بنابراین حکم تبصره (۳) ماده‌ی حاضر از جهاتی دارای ابهام است.

د) به موجب حکم صدر ماده (۳)، منابع صندوق ملی مسکن از محل منابع حاصل از واگذاری زمین‌های موضوع این قانون، منابع وصولی مربوط به اجاره (۹۹) ساله، «مالیات‌های مرتبط با حوزه زمین، مسکن، مستغلات و ساختمان» و ... تأمین می‌شود. همچنین به موجب تبصره (۸) این ماده، «درآمدهای مالیاتی» موضوع این تبصره شامل درآمدهای مالیاتی حاصل از پایه‌های جدید مالیاتی، درآمدهای مالیاتی دریافت نشده‌ی پایه‌های موجود و درآمدهای مالیاتی حاصل از افزایش نرخ پایه‌های مالیاتی، به عنوان منابع صندوق ملی مسکن تلقی می‌شود. این در حالی است که نسبت «درآمدهای مالیاتی» در تبصره (۸) با عبارت «مالیات‌های مرتبط با حوزه زمین، مسکن، مستغلات و ساختمان» در صدر این ماده روشن نیست و این مقرر از این حیث واجد ابهام است؛ توضیح آنکه اگر مقصود قانون‌گذار از عبارت «مالیات‌های مرتبط با حوزه زمین، مسکن، مستغلات و ساختمان»، مالیات‌های سابق بر وضع این مصوبه را نیز در بر گرفته باشد، این حکم مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی خواهد بود. چه اینکه مطابق این اصل، طرح‌های قانونی نباید موجب افزایش جبران نشده‌ی هزینه‌های عمومی شود و اینکه منابع این صندوق از محل مالیات‌های سابق که خود دارای مصارف قانونی مشخص است تأمین شود، نمی‌تواند جبرانی برای بار مالی

تحمیل شده بر دولت تلقی شود. اما در مقابل، اگر مقصود قانون‌گذار از عبارت «مالیات‌های مرتبط با حوزه زمین، مسکن، مستغلات و ساختمان» در صدر این ماده، اشاره به همان «درآمدهای مالیاتی» موضوع تبصره (۸) باشد، با توجه به اینکه مالیات‌های موضوع این تبصره درآمدهای جدیدی را برای دولت مقرر کرده است، این حکم مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی نخواهد داشت. بنابراین نسبت عبارت «درآمدهای مالیاتی» در تبصره (۸) ماده (۳) با عبارت «مالیات‌های مرتبط با حوزه زمین، مسکن، مستغلات و ساختمان» در صدر ماده (۳) واجد ابهام است.

ه) به موجب حکم بند (ب) تبصره (۸) این ماده، درآمدهای مالیاتی موضوع این تبصره شامل درآمدهای مالیاتی حاصل از پایه‌های جدید مالیاتی، «درآمدهای مالیاتی پایه‌های موجود مرتبط با بخش مسکن که تاکنون دریافت نشده است» و درآمدهای مالیاتی حاصل از افزایش نرخ پایه‌های مالیاتی، به عنوان منابع صندوق ملی مسکن تلقی می‌شود. این در حالی است که مقصود قانون‌گذار از عبارت «درآمدهای مالیاتی پایه‌های موجود مرتبط با بخش مسکن که تاکنون دریافت نشده است» روشن نیست و ابهام دارد؛ زیرا اگر مقصود قانون‌گذار از عبارت مذکور، اشاره به مالیات‌های سابق بر وضع این مصوبه که در قانون بودجه برای مصارف آن تعیین تکلیف شده است باشد (حتی اگر مصارف آن محقق نشده باشد)، این حکم مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی خواهد بود. چه اینکه مطابق این اصل، طرح‌های قانونی نباید موجب افزایش جبران نشده‌ی هزینه‌های عمومی شود و اینکه منابع این صندوق از محل مالیات‌های سابق که خود دارای مصارف قانونی مشخص است تأمین شود، نمی‌تواند جبرانی برای بار مالی تحمیل شده بر دولت تلقی شود. اما در مقابل، اگر مقصود مجلس شورای اسلامی از عبارت فوق مالیات‌هایی باشد که در قانون بودجه برای مصارف آن تعیین تکلیف نشده است، این مقرر مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی نخواهد داشت. بنابراین عبارت «درآمدهای مالیاتی پایه‌های موجود مرتبط با بخش مسکن که تاکنون دریافت نشده است» در تبصره (۸) ماده (۳) واجد ابهام است.

■ نظر شورای نگهبان

در ماده (۳)،

- ۱- عبارت «منابع حاصل از امهال» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- ۲- در بند (الف)، عضویت دادستان کل کشور در هیئت امنای صندوق مذکور، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.
- ۳- در بند (ب)، عدم ذکر شرط «اسلام و ایمان» برای اعضای هیئت عامل صندوق مذکور، خلاف موازین شرع شناخته شد.
- ۴- تبصره (۲)، از این جهت که آیا فرآیند مذکور در اصل (۸۵) قانون اساسی در خصوص اساسنامه این صندوق، رعایت خواهد شد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- ۵- تبصره (۳)، از این جهت که آیا حساب مذکور نزد خزانه‌داری کل است یا خیر و همچنین از این جهت که آیا روند قانونی واریز پول به صندوق مراعات می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- ۶- تبصره (۸)، با توجه به روشن نبودن نسبت مالیات‌های مذکور در این تبصره با عنوان عام «مالیات‌های مرتبط با حوزه زمین» مذکور در صدر ماده ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- ۷- جزء (ب) تبصره (۸)، از این جهت که درآمدهای مالیاتی مذکور، منابع جدید محسوب می‌شود یا منابعی است که سابق بر این نیز در بودجه کل کشور پیش‌بینی شده است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- تذکر: در ماده (۳)، بعد از عبارت «(۹۹) ساله»، ویرگول گذاشته شود.

ماده ۴-

بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی مکلفند حداقل چهار درصد (۴۰٪) از تغییرات مانده تسهیلات پرداختی در هر سال مالی را با نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار به بخش مسکن اختصاص دهند، به صورتی که در سال اول اجرای قانون از حداقل یک میلیون و ششصد هزار میلیارد (۱/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تسهیلات برای

واحدهای موضوع این قانون کمتر نباشد و برای سال‌های آینده نیز حداقل منابع تسهیلاتی مذکور با افزایش درصد صدرالذکر مطابق با نرخ تورم سالانه افزایش یابد. تبصره ۱- ...

تبصره ۴- بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در صورت پرداخت تسهیلات موضوع این ماده مجاز به انتشار اوراق رهنی در چهارچوب مقررات بانک مرکزی هستند.
تبصره ۵- سازمان امور مالیاتی موظف است در صورت عدم رعایت موضوع این ماده، مالیاتی برابر بیست درصد (۲۰٪) تعهد انجام نشده را از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مستنکف، اخذ و به خزانه‌داری کل کشور واریز نماید. این مبلغ صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته تلقی و به حساب صندوق ملی مسکن واریز می‌شود.

دیدگاه ابهام

الف) بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به موجب حکم ماده (۴) این مصوبه مکلف شده‌اند حداقل چهل درصد از تغییرات مانده‌ی تسهیلات پرداختی در هر سال مالی را به بخش مسکن اختصاص دهند به صورتی که در سال اول اجرای این مصوبه از حداقل (۱/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال کمتر نباشد. این در حالی است که قانون‌گذار در جزء (۱۰) بند (الف) تبصره (۱۸) قانون بودجه ۱۴۰۰ کل کشور^۱ نیز مبلغ

۱. جزء (۱۰) بند (الف) تبصره (۱۸) قانون بودجه ۱۴۰۰ کل کشور مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «در سال ۱۴۰۰ کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی موظفند برای احداث و نوسازی چهارصد هزار واحد مسکن روستایی و شهری در شهرهای کمتر از بیست و پنج هزار نفر جمعیت و هشتصد هزار واحد مسکن شهری (با اولویت محلات و مناطق محروم) نسبت به پرداخت سه میلیون و ششصد هزار میلیارد (۳.۶۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تسهیلات ساخت مسکن (معادل بیست درصد (۲۰٪) تسهیلات نظام بانکی) به افراد واجد شرایط اقدام نمایند. سهمیه هر بانک توسط بانک مرکزی در فروردین ماه تعیین می‌شود. مجموع دوران مشارکت ساخت و فروش اقساطی این تسهیلات بیست سال است و پس از دوره مشارکت به فروش اقساطی تبدیل و تعهدات آن به متقاضی واجد شرایط منتقل می‌شود. این تسهیلات با نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار به افراد واجد شرایط معرفی شده توسط وزارت راه و شهرسازی پرداخت می‌شود. بانک مرکزی موظف است گزارش عملکرد این بند را به صورت برخط در اختیار عموم مردم قرار دهد. در صورتی که یک بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی از پرداخت سهمیه تسهیلات تعیین شده توسط بانک مرکزی خودداری نماید، بانک مرکزی موظف است متناسب با تعهد انجام نشده نسبت به افزایش سپرده قانونی آن بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی اقدام و از طریق سایر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی نسبت به پرداخت تسهیلات ساخت مسکن اقدام نماید. حداقل بیست درصد (۲۰٪) از منابع مذکور باید به خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر اختصاص یابد. در صورت نبود متقاضی واجد شرایط برای جذب، مابقی می‌تواند به سایر مشمولان تعلق گیرد.»

بنابراین نسبت حکم ماده (۴) با حکم پیش گفته از قانون بودجه روشن نیست؛ زیرا اگر مقصود قانون گذار جمع میان تسهیلات تکلیفی در این ماده و قانون بودجه باشد، این امر دربرگیرنده‌ی مبالغ سنگین و اجماًلاً غیر قابل تحقیق می‌شود که پرداخت آن فشار زیادی به نظام بانک وارد می‌آورد و مغایر با هدف پی‌ریزی اقتصاد صحیح مذکور در بند (۱۲) اصل (۳) قانون اساسی خواهد بود. اما در مقابل، اگر میزان تسهیلات مذکور در این مقررده داخل در مجموع تسهیلات (۳۶۰) هزار میلیارد تومانی مذکور در قانون بودجه باشد، اگرچه نیازمند تصریح است لکن مغایرتی با بند (۱۲) اصل (۳) قانون اساسی نخواهد داشت. بنابراین نسبت حکم ماده (۴) با حکم جزء (۱۰) بند (الف) تبصره (۱۸) قانون بودجه ۱۴۰۰ کل کشور واجد ابهام است.

ب) به موجب حکم تبصره (۴) ماده‌ی حاضر، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مجاز به انتشار «اوراق رهنی» شده‌اند. این در حالی است که اوراق مذکور فاقد تعریف قانونی هستند. بنابراین عبارت «اوراق رهنی» در تبصره (۴) ماده (۴) از جهت روشن نبودن مفهوم دقیق این اوراق واجد ابهام است.

ج) سازمان امور مالیاتی به موجب تبصره (۵) ماده‌ی مورد بررسی مکلف شده است در صورت عدم رعایت موضوع این ماده، از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مستنکف، مالیات اخذ و به خزانه‌داری کل کشور واریز نماید تا به صورت (۱۰۰٪) تخصیص یافته به حساب صندوق ملی مسکن واریز شود. این در حالی است که روشن نیست عدم تصریح قانون گذار به درج مبلغ مذکور در در قانون بودجه‌ی سنواتی، به معنای عدم لزوم پیش‌بینی آن در بودجه است یا به جهت بدهت امر به این موضوع تصریح نکرده است و مقررده از این حیث واجد ابهام است؛ زیرا اگر مقصود قانون گذار عدم لحاظ مبلغ فوق در قانون بودجه باشد، این حکم مغایر با اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی خواهد بود. چه اینکه وفق اصول پیش گفته، قانون بودجه‌ی سالیانه مرکب از کلیه‌ی درآمدها و هزینه‌های کشور است که کلیه‌ی پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات آن انجام گیرد. اما در مقابل، اگر مجلس شورای اسلامی تنها به سبب روشنی لزوم رعایت قانون بودجه در پرداخت منابع فوق به آن

تصریح نکرده باشد، مغایرت این حکم با اصول (۵۲) و (۵۳) منتفی است. بنابراین تبصره (۵) ماده (۴)، از این جهت که مشخص نیست تخصیص و واریز منابع به حساب صندوق ملی مسکن در قالب بودجه سنواتی خواهد بود یا خیر، واجد ابهام است.

■ نظر شورای نگهبان

در ماده (۴)،

۱- صدر ماده، از جهت روشن نبودن نسبت میزان تسهیلات مذکور در این ماده با تسهیلات مذکور در قانون بودجه سال ۱۴۰۰، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

۲- در تبصره (۴)، عبارت «اوراق رهنی» با توجه به عدم وجود تعریف قانونی، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

۳- در تبصره (۵)، تخصیص و واریز منابع مذکور به حساب صندوق ملی مسکن، از این جهت که آیا در قالب بودجه سنواتی خواهد بود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

■ ماده ۶-

به منظور تأمین مالی برنامه‌های حمایتی مسکن، وزارت راه و شهرسازی از طریق صندوق ملی مسکن می‌تواند یارانه سود انتشار اوراق تأمین مالی بخش مسکن نظیر اوراق رهنی، اوراق خرید دین و سایر اوراق تأمین مالی بخش مسکن موضوع قانون اوراق بهادار را از محل منابع صندوق ملی مسکن پرداخت نماید.

■ دیدگاه ابهام

قانون‌گذار در تبصره (۴) ماده (۴)، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را مجاز به انتشار «اوراق رهنی» کرده بود. حکم مذکور از این حیث که این اوراق فاقد تعریف قانونی است، واجد ابهام تشخیص داده شد. حال مجلس شورای اسلامی در ماده (۶) این مصوبه نیز به «اوراق رهنی» اشاره کرده است. بنابراین ماده (۶) نیز مبنیاً بر ابهام تبصره (۴) ماده (۴) در خصوص «اوراق رهنی»، واجد ابهام است.

■ نظر شورای نگهبان

در ماده (۶)، عبارت «اوراق رهنی» مبنیاً بر ابهام مذکور در تبصره (۴) ماده (۴) ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

■ ماده ۷-

وزارت راه و شهرسازی موظف است برای اجرای برنامه‌های حمایتی نسبت به واگذاری اراضی مورد نیاز ساخت مسکن به صورت اجاره (۹۹) ساله اقدام نماید. تبصره- مبلغ اجاره بهای سالانه اراضی اجاره (۹۹) ساله این ماده حداکثر معادل بیست درصد (۲۰٪) قیمت منطقه‌ای زمین مسکونی متناسب با قدرالسهم هر متقاضی در همان سال یا یک درصد (۱٪) ارزش کارشناسی روز زمین در ابتدای سال واگذاری (هرکدام کمتر باشد) تعیین می‌گردد.

■ دیدگاه ابهام

به موجب ماده (۷) این مصوبه، وزارت راه و شهرسازی مکلف شده است برای اجرای برنامه‌های حمایتی نسبت به واگذاری اراضی مورد نیاز ساخت مسکن «به صورت اجاره (۹۹) ساله» اقدام نماید. حکم پیش‌گفته از جهاتی واجد ابهام است؛ زیرا اولاً مشخص نیست که عقد اجاره‌ی موضوع این مقرر به صورت یک عقد اجاره با مدت (۹۹) سال منعقد می‌شود یا (۹۹) عقد اجاره‌ی یک ساله بین موجر و مستأجر منعقد خواهد شد. اگر چنین باشد و زمان این عقد به نحو قطعی روشن نباشد، عقد اجاره مطابق قواعد شرعی به سبب تردید در زمان باطل خواهد بود. ثانیاً اگر مقصود قانون‌گذار آن باشد که یک عقد اجاره‌ی (۹۹) ساله منعقد شود، با توجه به اینکه مال‌الاجاره‌ی این عقد مطابق تبصره‌ی این ماده باید هر سال و مبتنی بر قیمت منطقه‌ای یا ارزش کارشناسی زمین مشخص شود، این عقد به سبب روشن نبودن مال‌الاجاره و وجود غرر، شرعاً باطل خواهد بود. بنابراین حکم ماده (۷) از جهاتی واجد ابهام است.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۷)، از این جهت که آیا زمان و مال الاجاره در عقد اجاره مذکور، در یک عقد اجاره تعیین می‌شود یا هر سال معین می‌گردد، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

■ ماده ۱۵-

وزارت راه و شهرسازی با اعمال سیاست‌های تشویقی، مهندسین داوطلب برای ارائه خدمات فنی مهندسی را در طرح‌های حمایتی تأمین مسکن معرفی می‌نماید.
تبصره- مددجویان، معلولان، ایثارگران و رزمندگان معسر با معرفی کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی کشور، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران و سازمان رزمندگان از پرداخت هزینه خدمات نظام مهندسی برای یک بار (یک واحد مسکونی) معاف هستند و مابه‌التفاوت آن از محل منابع صندوق ملی مسکن، تأمین و در وجه سازمان نظام مهندسی ساختمان واریز می‌گردد.

■ دیدگاه ابهام

ذکر «سازمان رزمندگان» در تبصره‌ی ماده (۱۵)، از این حیث که وضعیت اساسنامه‌ی معتبر سازمان مذکور مشخص نیست، واجد ابهام است؛ زیرا اگر این سازمان اساسنامه‌ی معتبر قانونی که به تأیید شورای نگهبان رسیده باشد، نداشته باشد، حکم این مقرر مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی خواهد بود؛ زیرا مطابق حکم ذیل این اصل، اساسنامه‌های دولتی نیز برای تشخیص مغایرت با قانون اساسی و شرع باید توسط شورای نگهبان بررسی شود. بنابراین حکم تبصره‌ی این ماده از این حیث که وضعیت اساسنامه‌ی «سازمان رزمندگان» روشن نیست، واجد ابهام است.

■ دیدگاه عدم مغایرت

به موجب تبصره‌ی ماده (۱۵)، مددجویان، معلولان، ایثارگران و رزمندگان معسر با معرفی کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی کشور، «سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران»

و سازمان رزمندگان از پرداخت هزینه‌ی خدمات نظام مهندسی برای یک بار معاف هستند و «مابه‌التفاوت» آن از محل منابع صندوق ملی مسکن، تأمین و در وجه سازمان نظام مهندسی ساختمان واریز می‌گردد. گرچه حکم فوق مغایرتی با موازین شرع یا قانون اساسی ندارد، اما شایسته است از دو جهت مورد اصلاح قرار گیرد؛ اولاً عنوان دقیق سازمان مذکور، «بنیاد شهید و امور ایثارگران» است. ثانیاً با توجه به معاف شدن مددجویان و دیگر افراد مذکور از کلیه‌ی هزینه‌های خدمات نظام مهندسی، حکم به پرداخت «مابه‌التفاوت» در این تبصره دقیق نیست و شایسته است با عبارت «هزینه» جایگزین شود.

■ نظر شورای نگهبان

در تبصره ماده (۱۵)، «سازمان رزمندگان» با توجه به روشن نبودن وضعیت اساسنامه، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد. تذکر: در تبصره ماده (۱۵)، عبارت «سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران» به عبارت «بنیاد شهید و امور ایثارگران» و واژه «مابه‌التفاوت» به «هزینه» اصلاح گردد.

* * *

■ ماده ۱۷-

سازمان امور مالیاتی مکلف است مالیات آماده‌سازی، محوطه‌سازی، زیربنایی و روبنایی و ساخت مسکن کلیه برنامه‌های حمایتی مسکن را با قیمت ثابت به ازای هر واحد مسکونی که توسط وزارت راه و شهرسازی اعلام می‌گردد، محاسبه نماید.

■ دیدگاه ابهام

سازمان امور مالیاتی به موجب ماده (۱۷) این مصوبه مکلف شده است مالیات آماده‌سازی، محوطه‌سازی، زیربنایی و روبنایی و ساخت مسکن کلیه برنامه‌های حمایتی مسکن را با «قیمت ثابت» به ازای هر واحد مسکونی که توسط وزارت راه و شهرسازی اعلام می‌گردد، محاسبه نماید. حال آنکه مقصود قانون‌گذار از عبارت «قیمت ثابت» و معیار تعیین آن از سوی وزارت راه و واجد ابهام است؛ زیرا اگر قانون‌گذار تعیین مالیات را بدون ارائه‌ی ضابطه‌ی مشخص در اختیار این وزارتخانه قرار داده باشد، این حکم مغایر با اصل (۵۱)

قانون اساسی خواهد بود؛ زیرا وفق اصل مزبور، همه‌ی انواع مالیات‌ها باید به موجب قانون باشد. بنابراین عبارت «قیمت ثابت» و معیار تعیین آن در ماده (۱۷) این مصوبه ابهام دارد.

■ نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۷)، منظور از «قیمت ثابت» و معیار تعیین آن ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۱۸-

در راستای رصد و نظارت بر بازار مسکن، درج کلیه معاملات خرید، فروش، پیش‌خرید، پیش‌فروش، رهن و اجاره مسکن در سامانه ثبت معاملات املاک و مستغلات کشور و اخذ شناسه (کد) رهگیری الزامی است.
تبصره- ...

■ دیدگاه ابهام

به موجب حکم ماده (۱۸) این مصوبه، درج کلیه‌ی معاملات خرید، فروش، پیش‌خرید، پیش‌فروش، رهن و اجاره‌ی مسکن در سامانه‌ی ثبت معاملات املاک و مستغلات کشور و اخذ کد رهگیری الزامی شده است. این در حالی است که روشن نیست آیا عمل به تکلیف مذکور مستلزم حضور متعاملین در بنگاه‌های معاملات ملکی و پرداخت هزینه‌ی سنگین کمیسیون به مشاوران املاک است یا خیر و مقرر از این حیث ابهام دارد؛ زیرا اگر مقصود قانون‌گذار آن باشد که کمافی‌السابق تنها مشاوران املاک به سامانه‌ی ثبت معاملات املاک و مستغلات کشور دسترسی داشته باشند و ثبت معاملات در این سامانه تنها پس از پرداخت کمیسیون به مشاوران املاک صورت پذیرد، الزام مقرر شده در این حکم مصداق سوء استفاده از حق و اضرار به غیر و مغایر با اصل (۴۰) قانون اساسی خواهد بود. اما در مقابل، اگر مقصود قانون‌گذار از حکم فوق آن باشد که پس از تصویب این مصوبه، کلیه‌ی افراد برای ثبت معاملات خود به سامانه‌ی ثبت معاملات املاک و مستغلات کشور دسترسی

داشته باشند و الزامی به مراجعه به مشاوران املاک نداشته باشند، این حکم مغایرتی با اصل (۴۰) قانون اساسی ندارد. بنابراین حکم ماده (۱۸) در وضع کنونی واجد ابهام است.

■ نظر شورای نگهبان

اطلاق ماده (۱۸)، از این جهت که مشخص نیست الزام مذکور موجب ایجاد هزینه معمول در این مورد برای افراد می‌باشد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.



■ ماده ۲۱-

کلیه دستگاه‌های موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه^۱ موظفند تمامی املاک و

۱. ماده (۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۲۹- دولت مکلف است طی سال اول اجرای قانون برنامه نسبت به راه‌اندازی سامانه ثبت حقوق و مزایا اقدام کند و امکان تجمیع کلیه پرداخت‌ها به مقامات، رؤسا، مدیران کلیه دستگاه‌های اجرایی شامل قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و دانشگاه‌ها، شرکت‌های دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دولتی، شرکت‌های بیمه دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی (در مواردی که آن بنیادها و نهادها از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند)، مؤسسات عمومی، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان قانون اساسی، بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی‌فقیه اداره می‌شوند و همچنین دستگاه‌ها و واحدهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است اعم از اینکه قانون خاص خود را داشته و یا از قوانین و مقررات عام تبعیت نمایند نظیر وزارت جهاد کشاورزی، شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، سازمان گسترش نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بنادر و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌های تابعه آنها، ستاد اجرایی و قرارگاه‌های سازندگی و اشخاص حقوقی وابسته به آنها را فراهم نماید، به نحوی که میزان ناخالص پرداختی به هر یک از افراد فوق مشخص شود و امکان دسترسی برای نهادهای نظارتی و عموم مردم فراهم شود. وزارت اطلاعات، نیروهای مسلح و سازمان انرژی اتمی ایران از شمول این حکم مستثنی هستند. اجرای این حکم درخصوص بنگاه‌های اقتصادی متعلق به وزارت اطلاعات، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تنها با مصوبه شورای عالی امنیت ملی مجاز خواهد بود.

دستگاه‌های مشمول این ماده مکلفند حقوق، فوق‌العاده‌ها، هزینه‌ها، کمک‌هزینه‌ها، کارانه، پرداخت‌های غیرماهانه و مزایای ناخالص پرداختی ماهانه اعم از مستمر و غیرمستمر، نقدی و غیرنقدی (معادل ریالی آن) و سایر مزایا به مقامات، رؤسا، مدیران موضوع این ماده را از هر محل (از جمله اعتبارات خارج از شمول قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱، درآمدهای اختصاصی، اعتبارات متفرقه، اعتبارات کمک‌های رفاهی، اعتبارات بودجه عمومی و منابع عمومی و همچنین اعتبارات موضوع ماده (۲۱۷) قانون مالیات‌های مستقیم با اصلاحات و الحاقات بعدی مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳، تبصره «۱» ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش

مستغلات در اختیار خود را حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون در سامانه اموال و دارایی‌های دولت (سادا) ثبت نمایند. همچنین کلیه دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی موظفند اطلاعات مربوط به هرگونه معامله و اجاره اراضی تحت اختیار خود را در قالب‌های مختلف، به همراه جزئیات مربوط به معامله (از جمله شرایط، قیمت و فرد دریافت کننده) در سامانه ملی املاک و اسکان، اعلام عمومی نمایند. متخلف از اجرای این حکم متناسب با ارزش زمین یا معامله به انفسال دائم از خدمات دولتی و عمومی یا محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج و جرای نقدی معادل ارزش زمین یا معامله انجام شده محکوم می‌شود. چنانچه ارتکاب این رفتار ناشی از تقصیر باشد، با توجه به میزان توجه به میزان تقصیر، مرتکب به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش یا هفت محکوم می‌شود.

کلیه دستگاه‌های موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه مکلفند ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون برای دریافت سند رسمی مالکیت اراضی در اختیار خود که فاقد سند رسمی تک برگ می‌باشند از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مطابق مقررات مربوط اقدام نمایند، در غیر این صورت متخلف به انفسال از خدمات دولتی و عمومی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.

دیدگاه ابهام

الف) به موجب حکم ماده (۲۱) این مصوبه، «کلیه دستگاه‌های موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه» مکلف شده‌اند اولاً تمامی املاک و مستغلات در اختیار خود را در سامانه‌ی اموال و دارایی‌های دولت (سادا) ثبت کنند. ثانیاً اطلاعات مربوط به هرگونه معامله و اجاره اراضی تحت اختیار خود را در سامانه ملی املاک و اسکان اعلام عمومی نمایند. ثالثاً برای دریافت سند رسمی مالکیت اراضی در اختیار خود که فاقد سند رسمی

افزوده، مواد (۱۶۰) تا (۱۶۲) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ و یا اعتبارات خاص ناشی از واگذاری و فروش شرکت‌ها در سازمان خصوصی‌سازی، اعتبارات مربوط به ردیف‌های کمک به اشخاص حقیقی و حقوقی و سایر درآمدها و موارد مشابه، منحصر در فیش حقوقی منعکس و پس از ثبت در سامانه فوق، پرداخت کنند، به نحوی که میزان هرگونه ناخالص پرداختی ماهانه به هر یک از افراد مذکور بلافاصله در سامانه اطلاعاتی هر دستگاه مشخص باشد.

تک برگ می‌باشند از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مطابق مقررات مربوط اقدام نماید. این در حالی است که روشن نیست مقصود قانون‌گذار از عبارت «کلیه دستگاه‌ها» شامل دستگاه‌های امنیتی و نظامی نیز می‌شود یا خیر و مقرر از این حیث واجد ابهام است؛ توضیح آنکه اگر اطلاق تکالیف فوق نهاد‌های امنیتی و نظامی را نیز شامل شود، از این حیث که متضمن خطرات امنیتی برای کشور است، مغایر با موازین شرعی در خصوص لزوم تأمین امنیت از سوی حاکم اسلامی است. اما در مقابل، اگر تکالیف فوق منصرف از دستگاه‌های امنیتی و نظامی باشد، این حکم مغایرتی با موازین شرعی ندارد. بنابراین عبارت «کلیه دستگاه‌ها» در ماده (۲۱) واجد ابهام است.

ب) مطابق ماده (۲۱) این مصوبه، کلیه‌ی دستگاه‌های موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه موظف به ثبت تمامی املاک و مستغلات در اختیار خود در سامانه اموال و دارایی‌های دولت (سادا) و اعلام عمومی اطلاعات مربوط به هرگونه معامله و اجاره اراضی تحت اختیار خود در سامانه ملی املاک و اسکان شده‌اند. همچنین «متخلف از اجرای این حکم» نیز به انفسال دائم از خدمات دولتی و عمومی یا محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج و جرای نقدی معادل ارزش زمین یا معامله انجام شده محکوم می‌شود. اما چنانچه «ارتکاب این رفتار ناشی از تقصیر باشد»، مرتکب به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش یا هفت محکوم می‌شود. این در حال است که مقصود قانون‌گذار از تمایز قائل شدن میان شخص «متخلف» و شخص «مقصر» روشن نیست و این حکم از این منظر واجد ابهام است؛ زیرا اگر مقصود قانون‌گذار از تعیین مجازات برای شخص «مقصر» در برابر شخص «متخلف»، آن باشد که از عبارت «متخلف» اشاره به متخلف قاصر باشد، تعیین مجازات برای قصور افراد مصداق ظلم و خلاف شرع خواهد بود. بنابراین نسبت میان دو عبارت «متخلف بودن فرد در اجرای حکم ماده» و «ارتکاب ناشی از تقصیر» در ماده (۲۱) واجد ابهام است.

ج) به موجب ماده (۲۱) مصوبه‌ی حاضر، متخلف از اجرای حکم مذکور در این ماده، «متناسب با ارزش زمین یا معامله» به انفسال دائم از خدمات دولتی و عمومی یا محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج و «جرای نقدی معادل ارزش زمین یا معامله» انجام شده

محکوم می‌شود. این در حالی است که مقصود قانون‌گذار از عبارت «جرای نقدی معادل ارزش زمین یا معامله» روشن نیست و مقرر شده از این حیث واجد ابهام است؛ زیرا اگر مقصود قانون‌گذار آن باشد که تخلف نه‌چندان بزرگ مدیر یک دستگاه دولتی در عدم ثبت زمین چند میلیاردی دستگاه منجر به مجازات جزای نقدی چند میلیاردی برای مدیر متخلف شود، این مجازات با بزه ارتكابی تناسبی ندارد و مصداق ظلم به حقوق مرتکب است. اما در مقابل، اگر قید «متناسب با ارزش زمین یا معامله» در این ماده به کلیه مجازات‌ها از جمله جزای نقدی برگردد و مقصود قانون‌گذار آن باشد که متخلف متناسب با ارزش زمین یا معامله به جزای نقدی محکوم شود، این حکم مغایرتی با موازین شرعی نخواهد داشت. بنابراین عبارت «جزای نقدی معادل ارزش زمین» در ماده (۲۱) این مصوبه از این حیث واجد ابهام است.

■ نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۱)،

- ۱- عبارت «کلیه دستگاه‌ها» از این جهت که شامل دستگاه‌های نظامی و امنیتی می‌شود یا خیر ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- ۲- نسبت میان «متخلف بودن فرد در اجرای حکم ماده» و «ارتکاب ناشی از تقصیر» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- ۳- از این جهت که عبارت «جزای نقدی معادل ارزش زمین» نیز مشمول قید «متناسب با ارزش زمین» می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

* * *

ماده ۲۳-

وزارت کشور موظف است با همکاری وزارت راه و شهرسازی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، ترتیبی اتخاذ نماید تا در مراحل صدور پروانه تا صدور سند تفکیکی و کلیه مراحل کارشناسی و نظارتی مسکن، چه به صورت انبوه‌سازی و چه مشارکتی یا انفرادی، هیچگونه اقدام موازی و مکرر اعم از رأسا و یا با ارجاع به یکدیگر انجام

نشده و هر مرحله تنها یک بار توسط شهرداری و یا سازمان نظام مهندسی و یا سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، صورت پذیرد. در این مراحل باید رعایت استحکام بنا و رعایت خطوط معماری و اصول زیبایی شناختی لحاظ شود.

■ دیدگاه ابهام

وزارت کشور به موجب ماده (۲۳) این مصوبه، مکلف شده است ترتیبی اتخاذ نماید تا در مراحل صدور پروانه تا صدور سند تفکیکی و کلیه مراحل کارشناسی و نظارتی مسکن، رعایت استحکام بنا و رعایت «خطوط معماری» و «اصول زیبایی شناختی» لحاظ شود. حال آنکه مقصود قانون‌گذار از حدود و ضوابط «خطوط معماری» و «اصول زیبایی شناختی» روشن نیست و مقرر از این جهت واجد ابهام است؛ زیرا این مفاهیم فاقد تعریف قانونی است و در نتیجه مشخص نیست که در اجرای این ماده قرار است چه تکالیفی بر مردم تحمیل شود. بنابراین عبارت‌های «خطوط معماری» و «اصول زیبایی شناسی» در ماده (۲۳) واجد ابهام است.

■ نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۳)، عبارت‌های «خطوط معماری» و «اصول زیبایی شناسی» از جهت حدود و ضوابط، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

■ ماده ۲۴-

به منظور توسعه فضاهای مذهبی - فرهنگی و بهره‌گیری بهینه از اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اقدامات زیر انجام می‌شود:

۱- ...

۷- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است به منظور ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان

و نوجوانان به مساجد، با رعایت موازین اسلامی ترتیبی اتخاذ نماید تا کلیه مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت از کانون‌های فرهنگی و هنری بر اساس بودجه سنواتی برخوردار گردند.

■ دیدگاه ابهام

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به موجب بند (۷) ماده (۲۴)، مکلف شده است به منظور ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد ترتیبی اتخاذ نماید تا کلیه مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت، از کانون‌های فرهنگی و هنری بر اساس بودجه سنواتی برخوردار شوند. حکم پیش‌گفته مبنی بر تأسیس کانون‌های فرهنگی و هنری، از این حیث که آیا این کانون‌ها تحت نظارت امام جماعت مساجد تشکیل و هدایت می‌شوند یا خیر، واجد ابهام است؛ توضیح آنکه نظارت بر کلیه امور فرهنگی و تربیتی مساجد بر عهده امام جماعت است و این قبیل کانون‌ها که قرار است در راستای ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد تأسیس شوند، باید تحت نظارت امام جماعت مساجد اعمال شوند و چنانچه تشکیل این کانون‌ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ترتیبات دیگری را برای راهبری این کانون‌ها موجب گردد، محل اشکال خواهد بود. بنابراین حکم بند (۷) ماده‌ی حاضر در خصوص تأسیس کانون‌های فرهنگی و هنری، در وضع کنونی واجد ابهام است.

■ دیدگاه عدم مغایرت

مکلف شدن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بند (۷) ماده (۲۴)، به برخورداری کلیه کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت از بودجه سنواتی، فاقد هرگونه ابهام است؛ زیرا اولاً دقت در متن این مقرر نشان می‌دهد که قانون‌گذار حکم این بند را مقید به «رعایت موازین اسلامی» مقرر کرده است. ثانیاً پیشتر دو بار حکم این مقرر عیناً در جزء (۶) بند (ث) ماده (۳۷) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور^۱

۱. ماده (۳۷) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۷- به‌منظور زنده و نمایان نگهداشتن مبانی اسلام ناب محمدی (ص) و اندیشه دینی، سیاسی و فرهنگی و سیره عملی حضرت امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و برجسته کردن نقش ایشان به عنوان یک معیار اساسی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها و تسری آن به مجموعه ارکان نظام و نیز انتقال آن به نسل‌های آینده، دولت مکلف است با بهره‌گیری از ظرفیت همه دستگاه‌های مربوط به ویژه آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و جهاد دانشگاهی، مراکز فرهنگی و

و قانون بند (ج) ماده (۹۵) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه^۱ پیش‌بینی شده بوده است و به تأیید شورای نگهبان رسیده است. بنابراین حکم بند (۷) ماده (۲۴) فاقد هرگونه ابهام است.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۲۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

هنری، حوزه‌های علمیه، صدا و سیما، شهرداری‌ها و مؤسسات مردم نهاد و بسیج اقدامات زیر را انجام دهد:

الف- ...

ث- به‌منظور توسعه فضاهای مذهبی فرهنگی و بهره‌گیری بهینه از اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اقدامات زیر انجام می‌شود:

۱- ...

۶- به‌منظور ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است با رعایت موازین اسلامی تربیتی اتخاذ نماید تا کلیه مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت از کانون‌های فرهنگی و هنری برخوردار شوند.

ج- ...

۱. ماده (۹۵) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۹۵- به‌منظور توسعه فضاهای مذهبی فرهنگی و بهره‌گیری بهینه از اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- ...

ج- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است به‌منظور ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد، با رعایت موازین اسلامی تربیتی اتخاذ نماید تا کلیه مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت از کانون‌های فرهنگی و هنری بر اساس بودجه سنواری برخوردار گردند.»